

قرآنهای خط کوفی ایران

قدیر افروند

می نامیم. از این جهت که ایرانیان، در ابتدا، این خط را به تقلید از کاتبان قرآن در مرکزیت اسلام آن دوران - یعنی عراق - با کمترین تغییر و اعمال ذوق و سلیقه - به کار می بردند. این مایه احتیاط به واسطه ناآشنایی با زبان و دستور نگارش خط عربی و نیز اعتقاد و ایمان مذهبی به پرهیز از دست بردن در قرآن مجید به هر شکل صورت می گرفت.

دسته دوم قرآنهایی هستند که به شیوه ای از خط کوفی، ولی با تفاوت بسیار از خط کوفی یاد شده، نوشته شده اند. این قرآنها علاوه بر تفاوت در رسم الخط از نظر کاغذی بودن جنس اوراق - که در قرآنهای دسته اول اوراق از پوست آهو بود -، تذهیب و ترصیع، رقم و تاریخ نیز از قرآنهای خط کوفی اولیه متمایز می گردند. درباره ویژگیهای رسم الخط و محدوده مکانی و زمانی نشر و گسترش این قلم از خط کوفی که با آثار و مدارك بسیار و دلائل و براهین متقن و محکم، بدان عنوان «شیوه کوفی فارسی یا ایرانی» داده شده، در بخش دوم این مقال، به تفصیل بحث خواهیم کرد.

خط کوفی اولیه مورد بحث که به طور همزمان و حتی مدتها پیش از آن (در قرون دوم و سوم هجری) در قلمرو خلافت عباسیان برای کتابت قرآن استفاده می شد، به جهت

قرآنهای خط کوفی در ایران و در مجموعه های سراسر جهان، آثاری ناشناخته، غریب و فراموش شده اند که هیچ گاه، آن گونه که درخور و شایسته میراثی بدین نفاست است، مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته اند و شاید گمنامی و غریب آنها نیز بیشتر به همین سبب باشد.

اگر این قرآنها را در يك ترتیب زمانی نسبی قرار دهیم، در نگرشی سطحی خواهیم دید که روند تحولی آنها در يك مقطع زمانی دچار تغییرات چشمگیر و کاملاً ملموسی می شود، این زمان، موضع اولین تفکیک و دسته بندی قرآنهای خط کوفی ایران را تشکیل می دهد. بر این اساس، این قرآنها را می توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته نخست قرآنهای کهنترند که اولاً بر روی اوراقی از پوست آهو نوشته شده اند؛ ثانیاً، خط مورد استفاده در نگارش آنها دارای نسبت سطح بیشتر بوده و بسیار ساده و با اعراب و احیاناً اعجام (نقطه گذاری) اولیه نوشته شده است. ثالثاً، دارای تذهیب بسیار ساده و کم تکلفی هستند. این قرآنها احتمالاً طی قرون دوم و سوم هجری به تقلید از قرآنهایی که به طور همزمان و یا قبل از آنها در ممالک اسلامی بویژه در عراق نوشته می شد، در ایران به نگارش درآمده اند. این شیوه خط کوفی را به هدف تفکیک و تمیز از قرآنهای دسته دوم، «قرآنهای کوفی اولیه»



نفوذ خط کوفی در ایران و تحولات آن

در نتیجه فتوحات پی در پی خلفا و نیز امرای اموی، مرزهای ممالک و قلمرو مسلمین از غرب تا شمال آفریقا و در اروپا تا اسپانیا (اندلس) و از شرق تا چین گسترش یافت. ایران از اولین ممالک مفتوحه مسلمانان در قرن اول هجری بود، ولی مدتها گذشت تا فرهنگ اسلامی - حتی در مراکز عمده سیاسی و اقتصادی ایران آن زمان - نفوذ و استحکام یابد. از این رو پرداختن به امور هنری و تفتنی، چون خوشنویسی و کتاب آرایی که می بایست به تبع گسترش اسلام رواج پیدا کنند، تا قرن دوم، چندان چشمگیر نبود.

چنان که از نوشته های مورخین برمی آید، در این دوره دانشمندان و هنرمندان و مشاهیر فضل و کمال ایران به دلائل مختلف جذب دربار امرای اموی و عباسی می شدند و به همین دلیل زمینه شکوفایی فرهنگ و هنر اسلامی در خود ایران چندان فراهم نبود.

به هر ترتیب اعراب با ورود به ممالک مفتوحه و از جمله ایران، راهگشای فرهنگ؛ خاصه خط و زبان عربی بودند. انتصاب حکام عرب در چند قرن اولیه اسلامی و امور دیوانی و وضع و اعمال و اعلان احکام و قوانین تازه اسلامی، ضرب سکه و ... که تحت نظارت و تابعیت «دارالخلافة مسلمین» در دمشق یا بغداد انجام می گرفت و مهتر از همه استفاده از «قرآن» به عنوان مهمترین میراث پیامبر (ص) در میان تازه مسلمانان، یادگیری و استفاده از زبان و خط عربی را ضرورت می بخشید.

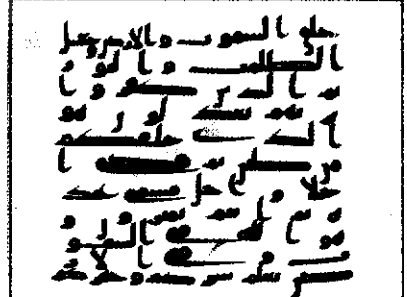
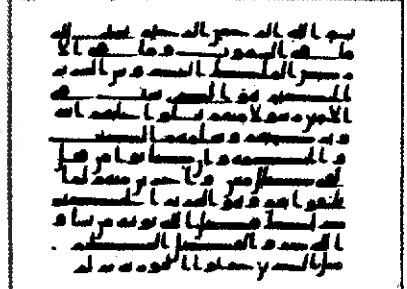
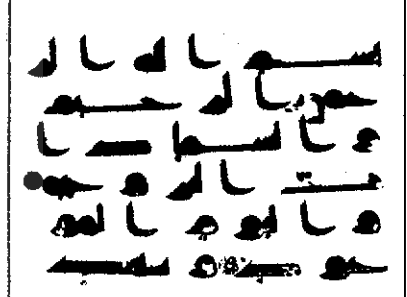
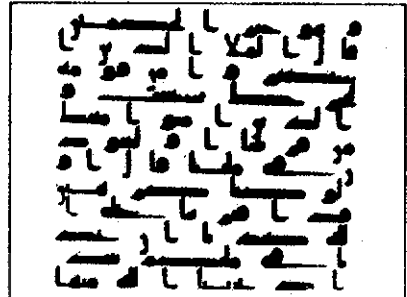
کتیبه های بازمانده از این دوران، استفاده از خط کوفی را در ایران از همان آغاز ثابت می کند.

در عمده موارد، هر هنر و صنعتی بعد از ورود به یک محیط فرهنگی جدید، بعد از گذر زمانی نه چندان محسوس، بسته به غنای فرهنگی آن دیار، تحت تأثیر ویژگیهای خاص و بومی آن فرهنگ و ذوق و سلیقه آن جامعه قرار گرفته، و به مرور رنگ و بوی آن قوم را به خود می گیرد.

خط کوفی نیز پس از ورود به ایران تا مدتی بسیار ساده و به دور از هرگونه تفتن و تکلفی استفاده می شد. تا اینکه از قرن دوم و سوم به بعد در پرداختن کتیبه های آثار معماری و ظروف سفالی و سکه ها ذوق و تنوع و تفتن پدید آمد.

آثار و مدارک نشان می دهند که آثار معماری و ابنیه اوایل دوران اسلامی زمینه های مناسبی برای ارائه هر ذوق و سلیقه و هنری بوده اند. در آغاز اسلام که هرگونه تصویرگری انسانی و طبیعت گرایی رئالیست بر دیواره ابنیه ممنوع بود و هنر کاشیکاری نیز هنوز متداول نشده بود، کتیبه نویسی، آن هم با

صعوبت نگارش آن و نیز جایگزینی و رواج یافتن اقلام سته (محقق، ریحان، نسخ، ثلث، توقیع و رقاع)، از ابداعات ابن مقله وزیر (۳۲۸ - ۲۷۰ هـ ق) و شاگردانش حداقل در مرکزیت سیاسی آن زمان که در عین حال مرکز تجمع علما، محققان و هنرمندان نیز بود - یعنی در عراق - از اوائل قرن چهارم رو به فراموشی نهاد. از این زمان، در عراق عمدتاً، اقلام محقق و نسخ در نگارش قرآن مورد استفاده قرار گرفت، ولی در ممالک اسلامی همجوار، مانند ایران و نیز ممالک اسلامی شمال آفریقا، همچنان از خط کوفی در نگارش ضرورتی نوشتاری (خاصه دینی) خود بهره می بردند.



تصاویر «قرآنیهای خط کوفی اولیه» عراق:

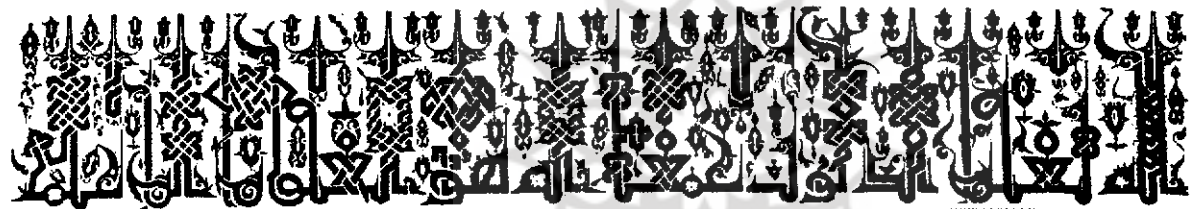
- ۱- صفحه ای از مصحف عثمانی بر پوست، توپ قابو برای استانبول.
- ۲- صفحه ای از مصحف عثمانی بر پوست، تاشکند، ازبکستان.
- ۳- صفحه ای از مصحف عثمانی بر پوست، سمرقند، ازبکستان.
- ۴- صفحه ای از مصحف حضرت علی (ع) بر پوست، روضه حیدریه نجف، عراق.

۱- این تصویر به صورت کپی از کاتالوگ زیر تهیه شده است: (مصاحف صنعا)

مضامین عالی روحانی و عرفانی مرتبط با نوع اثر و موارد استفاده و کاربرد، بهترین تزیین و تکلف در آن محسوب می‌شد.

محدودیت‌های یاد شده باعث شد که هنرمندان با تلفیق عناصر مختلف گیاهی و هندسی و اعمال ذوق و سلیقه خویش خطوط متنوع کوفی تزیینی را پدید آورند؛ به طوری که به مرور چندین کتیبه‌های تزیینی خط کوفی متعدد و تنوع پیدا کردند که شاید کمتر کتیبه‌ای مشابه دیگر نوشته می‌شد. (تصاویر ۵ و ۶).^۲

تصویر ۵ - کتیبه‌ای متعلق به مسجد جامع نائین، قرن چهارم هجری. «...امن بالله و الیوم...»



تصویر ۶ - کتیبه‌ای متعلق به «پیر علمدار»، دامغان، ۴۱۸ هجری. «... له یغفر الذنوب جميعاً أنه هو الغفور الرحیم»

خط کوفی مورد استفاده در نگارش قرآن کریم

الف - قرآنهاي خط کوفی اولیه

چنان که گفتیم کتابت و نسخه برداری قرآن نیز از همان آغاز گسترش اسلام به دلیل اهمیت و ضرورت آن، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفت. نسخه برداری و تکثیر قرآن به گواهی متون تاریخی در قرن دوم هجری در ایران متداول بوده است. نسخه‌ها و اوراق زیادی از قرآنهاي خط کوفی منسوب به ایران، و متعلق به قرون اولیه هجری (قرون دوم و سوم و اوائل قرن چهارم هجری) در موزه‌ها و مجموعه‌های نسخ خطی ایران و سراسر دنیا پراکنده‌اند. همه این قرآنها که عمدتاً بخشهایی از قرآن و در اواخر این دوره بصورت اجزاء قرآن می‌باشند، بر اوراق نازکی از پوست و با رسم الخط و سبک و سیاقی کاملاً مشابه یکدیگر نوشته شده‌اند، ولی هیچ کدام دارای رقم و یا تاریخ کتابت نیستند؛ مگر سه نسخه، یکی به تاریخ ۱۶۸ هجری در کتابخانه خدیوی مصر که حروف «خ،

ض، و فاء» آن نقطه دارند، دیگر قرآن دمشق که در زمان حکمرانی امجور (۲۶۴ - ۲۵۶ هـ ق) وقف شده و نقطه دار نیز هست. سوم قرآنی در کتابخانه ملی پاریس (نسخ عربی، به شماره ۳۳۶) که در ۳۲۹ هجری وقف مسجد جامع فسطاط شده است.^۳

در توجیه تشابه قرآنهاي این دوره شاید بتوان گفت که اهمیت و قداست موضوعی کتابت قرآن - بویژه - و اعتقادات و تعصبات و دقت نظر مسلمانان صدر اسلام، باعث می‌شد که هر کسی جرأت اعمال تفتن و بدعت در خط کوفی و تزیینات قرآن را نداشته باشد و به همین دلیل است که مدتها گذشت تا ابداعات ابوالاسود دؤنلی و شاگردانش (اعراب و حرکات و نقطه) در قرآنها وارد شود. در آن زمان بسیاری از علما و فقها، دست بردن در قرآن را به هر شکل و صورتی

۲- این تصاویر نیز از منبع زیر بصورت کپی تهیه شده است: فضائل، حبیب الله. اطلس خط، انجمن آثار ملی اصفهان، ۱۳۵۰، صص ۱۶۰ و ۱۵۳.
۳- دکتر بهرامی، مهدی. راهنمای گنجینه قرآن در موزه ایران باستان، تهران ۱۳۲۸. صص ۱۷ و ۱۸.



نگاشته می شدند. به مرور خطوط کوتاه و مورب و سرانجام نقطه های امروزی به عنوان اعجام (نقطه) برای تمییز و تشخیص حروف مشابه پدید آمدند.



عکس ۱
قرآن خط کوفی اولیه بر پوست آهو
به شماره ۴۲۱۷ موجود در موزه ملی ایران
سده سوم هجری
آغاز سوره «الحجر»:
(الحجر سبعون وتسع آیت) بسم الله الرحمن الرحيم تلك ایت
الکتاب ...

تزئین و تذهیب و تجلید قرآن

به استناد متون تاریخی، آرایش و تذهیب و تزئین نسخه های خطی در سده های آغازین اسلام رایج و متداول بوده است. گفتنی است که آرایش قرآن با تزئین و نگارگری نسخ علمی بسیار متفاوت بوده است. عناصر تزئینی در میان مذہبان قرآن تنها محدود به عناصر گیاهی مسبک و هندسی، آن هم به دلیل اهمیت و قداست موضوع با «آب طلا» بوده است. هنرمندان مذہب قرآن، در آغاز کمتر به خود اجازه استفاده کردن از رنگهای متنوع و یا نقوش انسانی و گیاهی و جانوری؛ آن چنان که در سایر نسخه های خطی رایج بود، می داده اند. این اصول بعدها نیز عمدتاً به عنوان سنت تذهیب خاص مذہبان قرآن پذیرفته شد و در قرون متمادی تا به امروز تداوم داشته است.

به نظر می رسد اولین موضع تزئین در قرآنهاى اولیه، سرسوره ها بوده اند (چنان که در نسخ علمی نیز «عناوین» را با رنگی بجز رنگ متن می نوشتند). کتیبه سرسوره ها در ابتدا، به خط کوفی، بدون اعراب و اعجام و با قلم زر و عمدتاً با تحریر مشکی یا قهوه ای نوشته می شدند و شامل عنوان سوره و عدد آیات آن بود. در اکثر قرآنهاى موجود، موارد یاد شده در یک قاب مذہب با حاشیه گره چین و تزئینات گیاهی زمینه و یک تزئین تشجیر (تزئین گیاهی انتهای سرسوره ها) در جهت

حرام می دانستند و کاتبان تا مدتها بیم آن را داشتند که در صورت استفاده از اعراب و اعجام تهمت کفر و زندقہ بخورند.

قرآنهاى خط کوفی ایران به دلیل دور بودن از دسترس محققان و حبس شدن در مجموعه های مختلف! و نیز قلت این آثار در مجموعه های مختلف ایران و جهان (به استثنای دو یا سه مجموعه داخلی) مورد بررسی موشکافانه و دقیق قرار نگرفته اند. به همین دلیل منابع و مآخذ قابل توجهی نیز جهت رجوع و کسب آگاهی درباره این آثار موجود نیست، لیکن تجربه اندک نگارنده که حاصل فریب به دو سال بررسی و مطالعه قرآنهاى خط کوفی مجموعه موزه ملی ایران و نیز بررسی معدود آثار معرفی شده مجموعه های سایر موزه های ایران و جهان است، در معرفی و تشریح ویژگیهای قرآنهاى مورد بحث، هر چند اندک و ناقص، شاید کورسویی در تاریکی این وادی، رهنمای علاقه مندان باشد.

رسم الخط قرآنهاى کوفی اولیه

همه قرآنهاى خط کوفی منسوب به ایران دارای رسم الخطی مشابه اند. آنها در ابتدا بسیار ساده و با اعمال کمترین تفنن و تکلف و ذوق و سلیقه به روی اوراق نازکی از پوست، نوشته می شدند.

در نمونه های قدیمتر، کلمات با قلمی به قط راست یا متمایل به راست، بسیار درشت و خشک، با غلبه کامل سطح بر دور به نگارش درآمده اند؛ به طوری که در برخی از نسخه ها در هر سطر پیش از چند کلمه و هر صفحه پیش از چند سطر نوشته نمی شده است.

این رسم الخط در بسیاری موارد تابع سنت نگارش نبطی و سریانی^۱ است. و به همین جهت «الف» میانه کلمات حذف و نیز حرف «ن» و انتهای حروف «س و ص» به همان مناسبت به صورت معلق **ل** نوشته شده است. (عکس ۱)
کاتب قرآنهاى خط کوفی، حتی تا قرون پنجم و ششم هجری چندان توجهی به ترکیب لایتجزای کلمات نداشته و به راحتی، چنانچه تمام حروف کلمه ای در انتهای سطر جا نمی گرفت، ادامه آن را در ابتدای سطر بعدی، به صورت جدا از هم می نوشته است. قرآنهاى اولیه بدون نقطه (اعجام) و تنها دارای اعراب ابولاسودی به صورت نقطه های شنگرف (قوز) نقطه فتحه روی حرف، ضمه جلو و کسره زیر حرف، تنوین به صورت دو نقطه روی هم، بالای حرف، تنوین ضمه به صورت دو نقطه روی هم جلو حرف و تنوین کسره به صورت دو نقطه در کنار هم زیر حرف، (عکس ۲ و ۱)

مخالف عطف به انتهای آن افزوده شده است. (عکس ۲ و ۱). عبارت «بسمله» در این قرآنها جزء آیات و به همان سیاق نوشته شده است.

در اکثر قرآنهاي كامل (= بدون افتادگی در آغاز و انجام) يك يا دو صفحه از آغاز و نیز انجام آنها را به زینت تذهیب آراسته اند. تذهیب این صفحات عموماً از يك چهارچوب مستطیل شكل با نقوش گره چین حاشیه ای و دوائر و مربعهای تو در تو، نقطه چین الوان و نقوش مسبك گیاهی تشکیل می شود. (عکس ۳)

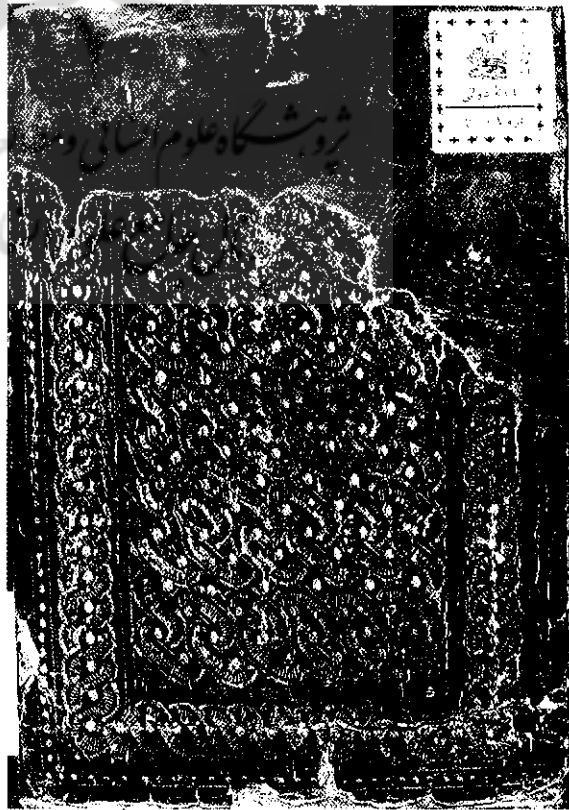


عکس ۳
تذهیب آغازین قرآن شماره ۴۲۸۹

عکس ۴
جلد قرآن خط کوفی اولیه
به شماره ۴۳۱۹ موجود در موزه ملی ایران
سده سوم هجری

اگر از معدود قرآنهاي فاقد علائم پایان آیات و یا سایر تقسیمات بگذریم، بقیه دارای علائم پایان آیات، شامل نقطه های مذهب (۳ یا ۶ عدد) و لوتوس (گل چند برگ) هستند که غالباً شماره آیات به حروف ابجد در داخل آنها نوشته شده است. بعضی از این قرآنها علاوه بر این تقسیمات جزئی دارای علائم تقسیم بزرگتری نیز به صورت «النصف، الثالث، ... التاسع و العشر» هستند که هر يك در جای مناسب در داخل دایره یا کادرهای مستطیل و مربع، با زراب و تحریر مشکی نوشته شده است.

بر اساس معدود آثار به جای مانده، قرآنهاي قرون اولیه شامل اوراقی از پوست نوشته ها هستند که بین دو لوح چوبی با پوششی از چرم قرار می گیرند. این جلد ها معمولاً از بیرون دارای نقوش ضربی هندسی هستند. قطع اکثریت قریب به اتفاق این قرآنها «بیاضی» است (از عرض، نگارش و صحافی شده اند). (عکس ۴)



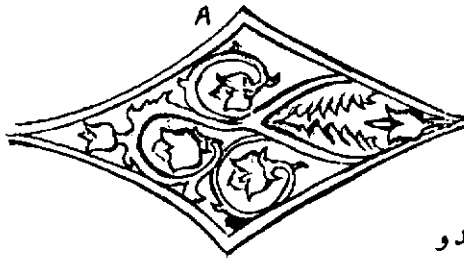
۴. این دو خط منشأ خطسوط کوفی و نسخ عربی هستند.



مناسب و مشخصی قرار داد و به راحتی نگاری کرد. به همین جهت محققین و مورخین تاریخ هنر، شاید به ناچار، این آثار را در محدوده زمانی قرون دوم تا چهارم هجری قرار داده اند و چندان حساسیت و علاقه ای به تنگ تر کردن این محدوده زمانی و بحث و اظهارنظر و توجه و تدقیق درباره آن ندارند. بدون شك انتساب مجموعه ای از آثار موجود به يك محدوده زمانی نزدیک به سه قرن، آن هم در يك برهه تاریخی به ظاهر روشن و مستند، امری معقول و علمی نیست، البته اگر در تاریخ گذاری بعضی از این قرآنها يك قرن مثلاً قرن سوم یا قرون سوم و چهارم هجری را تعیین کنند، دلیل و گواه قانع کننده ای ارائه نمی دهند و تنها به این دلیل آثار «ناشناخته» مزبور را به آن محدوده زمانی نسبت می دهند که در این دوران حلقه ارتباطی هنر خوشنویسی صدر اسلام به قرن چهارم هجری (دوره قرآنهاي تاريخ دار) تاکنون گسسته و ناشناخته مانده است.

حقیقت این است که تعیین قدمت اوراق پوستی قرآنهاي یاد شده با روشهای علمی درصد خطای بالایی دارد و این روشها هم نمی توانند چندان کمکی بکنند. در این مورد درصد خطا ۲۰۰ و ۱۰۰ ± است. بدین ترتیب تنها راه دیدگاه تاریخ هنری این آثار (سیر تحول خوشنویسی و کتاب آرایی و...) است؛ چنان که اول بار دکتر Graf Vonbothomer یکی از مصاحف زیبا و پر نقش و نگار را با این شیوه و از این دیدگاه به اوائل قرن دوم هجری (دوران امویان) نسبت داد.^۶ بنابراین مطالعه عناصر تزئینی و رسم الخط مورد استفاده در نگارش این قرآنها و بررسی سیر تحول و تطور و مقایسه این عناصر با عناصر تزئینی ابنیه و آثار معماری و دیگر یادگارهای هنری می تواند در تاریخ گذاری تقریبی و یا حداقل ترتیب تاریخی آنها راهنما باشد.

در این مورد، چند نکته ظریف درباره قرآنهاي خط کوفی قابل توجه است که سادگی تذهیب در سرسوره ها و صفحات مذهب، تعداد سطور و درشتی و ریزی کلمات، اعراب و علائم پایان آیات از جمله آنهاست.



تصویر ۷:

A - نقش گل لاله وحشی در تزئین صفحه اول مذهب قرآن شماره ۴۲۹۳ موزه ملی ایران.
B - نقش لاله به عنوان یکی از علائم پایان آیات در قرآن ۴۲۹۳.

رقم الحاقی در قرآنهاي خط کوفی^۵

نگارش قرآنهاي خط کوفی بنا به اعتقادات و یا سنتهای رایج زمان، فاقد هرگونه رقم و یا تاریخ کتابت است. ولی همین قرآنها در زمانی پس از نگارش، با يك رقم افزوده (الحاقی) برای یمن و تبرک و یا مقاصدی دیگر به یکی از ائمه اطهار مانند حضرت علی (ع)، امام حسن (ع)، امام سجاد (ع) انتساب یافته اند. چنین رقمهایی ظاهراً از اواخر قرن چهارم هجری افزوده شده اند. به این دلیل که «الملك العزيز» از ملوک آل بویه (۴۱۵ هـ) قرآنی به خط حضرت علی (ع) به نصرالدوله اهدا کرد.^۵

نسخه های متعددی از این نوع قرآنها در مجموعه های مختلف ایران و جهان، وجود دارد که برخی از آنها - مانند قرآن موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) (قم) منسوب به زمان مأمون عباسی به تاریخ ۱۹۸ هجری و قرآن مجموعه کتابخانه سلطنتی سابق (موزه کاخ گلستان) منسوب به عصر «المعتصم بالله» و نیز امام حسن (ع) - رقمها و یا یادداشت های الحاقی بحث انگیزی داشته اند.

جعل و الحاق رقم اکثر این قرآنها، به دلیل تفاوت رسم الخط آن با متن قرآن و محل الحاق (برخی در پشت آخرین صفحه مذهب، به صورت ساده نوشته شده اند) و یا نحوه ناشیانه اعراب گذاری آنها، بسیار واضح است. (عکس ۵)



عکس ۵

قرآن خط کوفی اولیه بر پوست آهر به شماره ۴۲۸۹ موجود در موزه ملی ایران سده سوم هجری (فاتحه سوره یونس مائه و تسع آیت)

بحثی در تاریخ گذاری قرآنهاي خط کوفی

اگر از يك یا دو قرآنی که قبلاً ذکری از آنها به میان آمد و دارای تاریخ تقریباً معین و مشخصی هستند، بگذریم سایر قرآنها دارای تاریخ کتابت مشخصی نیستند تا بتوان آنها را در سیر تحول و تاریخ کتابت و خوشنویسی در جایگاه و ترتیب

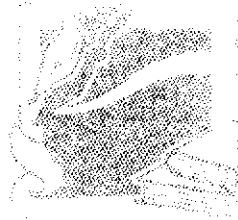
۵- فوجانی، عبدالله. قرآنهاي سده های اولیه اسلامی با رقم الحاقی ائمه اطهار «میراث فرهنگی». سال سوم، ش ۵، بهار ۱۳۷۱

6- Pope, A. U, 1938, a survey of persian art oxford university press, vol IV, P 1718

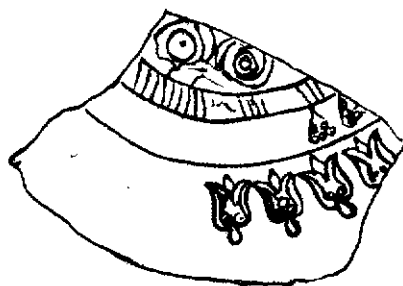
۷- طرحهای فوق از عکسهای شماره A - ۲، ۶۶ و ۱۲۷ منبج زیر تهیه شده است:

- Wilkinson, Charles. K, 1897, Nishapur: Pottery of the Early Islamic period

۸- «مصاحف صنعاء»، حصص ۱۲ - ۱۰ -



یکی از مهمترین عناصر تزئینی که در صفحات مذهب و سرسوره قرآنهاى خط کوفى به چشم مى خورد، گل لاله وحشى با برگهاى پيچان يا برگشته (تصاویر ۷) از گلهای بومی ایران است. این عنصر تزئینی، آرایه برخی از دیگر آثار هنری قرون سوم و چهارم هجری، مانند سفالینه ها و ابنیه نیز می باشد. گل لاله وحشى بر روی برخی از ظروف سفالی نیشابور اعم از ظروف قالب زده و رنگارنگ (قرن سوم هجری) و نیز در گچبری های این شهر به چشم می خورد. (تصاویر ۸ و عکس ۳)



بر اساس آثار و مدارک و شواهد و نیز گواهی منابع تاریخی کتابت قرآنهاى خط کوفى اولیه موجود، از اوائل یا اواسط قرن دوم هجرى آغاز شده و تا رواج یافتن کاغذ و فراگیر شدن آن در اوائل قرن چهارم هجرى تداوم داشته است و از همان زمان است که به اسامی برخی از کاتبان و وزّاقان ایرانی در متون تاریخی بر مى خوریم.

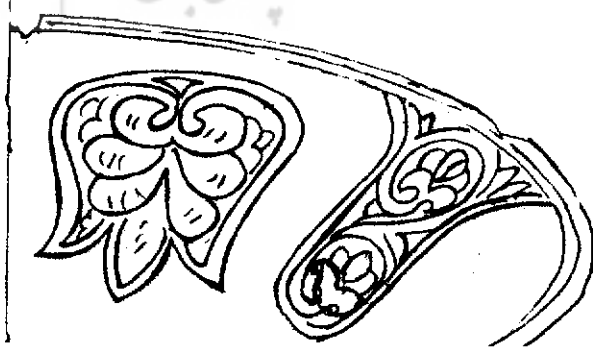
ارزانی، فراوانی و سهولت تهیه کاغذ - در مقایسه با پوست - به هنرمندان و علاقه مندان بیشتری فرصت و امکان هنرنمایی می داد و به همین جهت است که در اندک زمانی بر اثر فراوانی و تجمع ذوق و سلیقه، خط کوفى ایرانی و سپس شیوه های مختلف آن ابداع و متداول شد و هنر کتابت قرآن به خط کوفى بر روی پوست به انتهای راه و حیات نه چندان طولانی رسید.

ب - قرآنهاى خط کوفى شیوه ایرانی

نیمه دوم قرن سوم و اوائل قرن چهارم هجرى بیانگر نقطه عطفی در سیر تحول و تطور خط کوفى است. این دوران دوران پیدایش و شکل گیری سه شاخه یا شیوه کوفى «الفارسى، البغدادى و المغربى» است؛ هرچند که اکثر محققین و متخصصین تاریخ هنر اسلامى ترجیح می دهند، اصطلاح «کوفى الشرقى Eastern kufic» را برای ایران، عراق، سوریه و کوفى المغربى Western kufic را برای نواحى شمال آفریقا، مصر، تونس، مغرب و اسپانیا (اندلس) ... به کار ببرند.

به تأیید آثار خطی موجود، تحولات اساسی و پیشرفت و شکوفایی خط و هنر خوشنویسی در شاخه شرقی و خاصه در کوفى الفارسى (ایرانی) صورت پذیرفته است. در واقع ایرانیان سهم عمده ای - در خور سابقه غنای نبوغ و استعداد و خلاقیتهاى خود - نه تنها در شکوفایی و اعتلای هنر خوشنویسی و کتاب آرایى که در سایر هنرها نیز داشته اند.

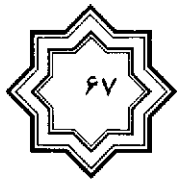
با گذری بر موزه ها و مجموعه های نسخ خطی ایرانی به خط کوفى، در سراسر دنیا خواهیم دید که بعد از قرآنهاى خط کوفى اولیه که بر پوست نوشته شده اند، و در صدر این دسته از نسخ خطی قرار می گیرند، نسخه های (عمدتاً قرآن و معدودی نسخه های علمی) قرار می گیرند که اولاً برخلاف دسته قبلی که بر روی پوست نوشته می شدند بر روی اوراقی از قدیمترین کاغذهای مورد استفاده ایرانیان، به نگارش درآمده اند، ثانیاً علی رغم اینکه این آثار از نظر قواعد و نسبتهای خوشنویسی (خاصه از نظیر میزان سطح و دور) در



تصویر ۸:

ظرف سفالی با نقش قالب زده، نیشابور قرن سوم هجرى
ظرف سفالی، رنگارنگ نیشابور قرن ۳ و ۴ هجرى
ظرف سفالی، نقش کنده زیر لعاب نیشابور، قرون ۳ و ۴ هجرى

9- Lings, Martin and safadi Yasin Hamid, 1976, the Qura'n, ... London, P 16

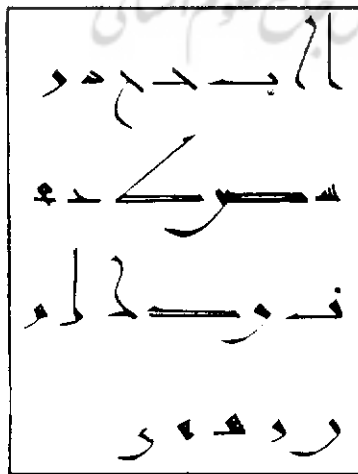


محرف و باریک بوده است و به همین جهت هنرمند با آزادی عمل بیشتری به هنرنمایی پرداخته است. (عکس ۶)
رجوع به صفحه رنگی

در این قرآنها اعجام (نقطه) به شکل امروزی مورد استفاده قرار می گرفت، ولی اعراب - خاصه در ابتدا - به همان شیوه سابق یعنی به صورت نقطه های شنگرف بوده و به مرور «شکل» یا حرکات به رنگهای مختلف سبز، لاجوردی و شنگرف به کار گرفته شد.

در مقایسه با «کوفی اولیه» شکل اکثر حروف «کوفی ایرانی» تغییر پیدا کرده است. به نظر می رسد این تغییرات به تناسب و بر اساس ذوق و سلیقه هنرمند ایرانی بسیار زیبا و شکیل «طراحی» شده اند. حسن زیبایی شناسی هنری واضعان این خط تحسین برانگیز است. رشد و شکوفایی همین حسن، منجر به پیدایش قلمی از این خط شد که در آن سرک برخی از حروف و عمدتاً زمینه بین کلمات و سطور را با نقوش گیاهی مسیک و یا اسلیمی زینت داده اند. امروزه این شیوه را «قرمطی»^{۱۲} می نامند. (عکس ۷) رجوع به صفحه رنگی

در مورد شیوه نگارش اکثر قرآنها خط کوفی ایرانی نکته ای را باید تذکار داد و آن اینکه، هر بیننده ای در اولین مراجعه به قرآنها خط مذکور، از سطوح عمودی، افقی و مورب حروف که در برخی از آنها کاملاً راست و مسطح - بدون کمترین لرزش و لغزش از يك خط فرضی - است دچار شگفتی می شود و مشکل باور می کند که کاتب آن را تنها با دست و بدون استفاده از هیچ وسیله دیگری نظیر خط کش و شابلون نوشته باشد. چنین نمونه هایی الفاکنده این نظر هستند که شاید همچون «مسطر» آلات دیگری نیز در کتابت این قرآنها استفاده می شده است. (عکس ۸) رجوع به صفحه رنگی



رسم الخط برخی از حروف در شیوه کوفی ایرانی بر اساس قرآن عثمان بن حسین رزاق غزنوی.
الف ب حح د ر س ص ط ع ف ق ک ل م ن و ه ه ی

دسته اقلام خط کوفی قرار می گیرند، تفاوتها و وجوه تمایز کاملاً آشکاری نیز بین این دو دسته به چشم می خورد. نسخ خطی دسته دوم در حقیقت نتیجه و ثمره تحولاتی بوده اند که در اواخر قرن سوم هجری در سنت نگارش و کتابت در قرون اولیه اسلامی ایران پدید آمد و چنان که گفتیم به پیدایش مکتب کوفی فارسی یا ایرانی انجامید.

گفتنی است که ابن الندیم در ذکر شیوه های مختلف خط کتابت قرآن از آغاز تا زمان خودش، از دو شیوه «الاصفهانی و فیراآموز» نام برده که شیوه اخیر خود به دو قلم «ناصری» و «المودور» تقسیم می شده است. برخی از محققین و متخصصین خطوط اسلامی ایران بر این گمان اند که خط مورد استفاده در کتابت قرآنها دسته دوم همان قلم پیروآموز (= فیراآموز) است. استدلال این افراد تنها تقارن زمانی رواج این اقلام در ذکر ابن الندیم، با زمان کتابت کهنترین قرآنها تاریخ دار مورد بحث است و بس. در مورد وجه تسمیه قلم پیروآموز گفته اند: آموختن این قلم به قدری سهل و آسان بوده که حتی افراد سالخورده و پیر نیز به راحتی می توانسته اند به آن شیوه بنویسند.

به هر حال، چنان که گفتیم از اوائل قرن چهارم هجری نسخ خطی زیادی (عمدتاً قرآن) به جای مانده اند که داری رسم الخط کاملاً متمایزی از قرآنها خط کوفی پیشین - به عنوان کهنترین آثار خطی - هستند و به تحقیق و به استناد نسخ خطی و نیز کتیبه آثار هنری بسیاری، بر ما معلوم شده که این رسم الخط از این زمان به مدت سه قرن به عنوان شیوه غالب و در واقع يك مکتب هنر خوشنویسی، در محدوده جغرافیای سیاسی آن عصر ایران (خاصه نیشابور و دامغان^{۱۱} و ری تا غزنه در افغانستان)، حداقل در کتابت قرآن، رایج و متداول بوده است از این جهت بسیار بجا خواهد بود این رسم الخط را «کوفی فارسی یا ایرانی» بنامیم.^{۱۱}

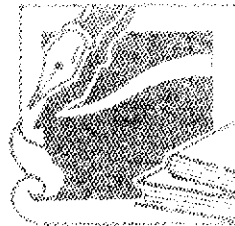
رسم الخط قرآنها خط کوفی ایرانی

رسم الخط کوفی مورد استفاده در نگارش این قرآنها، بسیار زیبا و آهنگ توجه و تحسین برانگیز است. شاید به جرأت بتوان گفت در طول تاریخ هنر خوشنویسی اسلامی، تنها هنرنمایی خوشنویسان در عرصه هنر شکسته نستعلیق نویسی به پایه آن می رسد.

تفاوت عمده این شیوه در مقایسه با کوفی اولیه در ظرافت حروف و سهولت و خوانایی و تمییز بین حروف است. همه این ویژگیها در کنار هم قلم موزون و بسیار زیبایی «کوفی ایرانی» را به بیننده عرضه می دارند. قلم در این شیوه

● همایونفرخ، رکن الدین. خط فارسی مأخوذ از خط پیروآموز ایرانی است. «تلاش»، ش ۸، ۳۲-۳۵.
۱۰ - در راهمای گنجینه قرآن در موزه ایران باستان (ص ۴۰) آمده است:
«ابوالقاسم سعید بن ابراهیم بن عالم بن ابراهیم بن صالح که در جمادی الاولی سال ۲۲۷ هـ ق نسخه قرآن نفیسی (موجود در موزه بریتانیا) را به پایان رسانیده و در پایان کار خود تصریح کرده، که قرآن خوشنویسی و تذهیب را در دامغان و نیشابور آموخته است.»

۱۱ - پیش از این تنها در مأخذ زیر با قاطعیت از «کوفی ایرانی» نام برده شده است:
- Yarshater, Ehsan. 1990, Encyclopaedia Iranica, vol. IV, P684
۱۲ - دکتر صفا، ذبیح الله. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ابن سینا، تهران ۱۳۵۱، ص ۲۵۱.
«قرمطه در لغت به معنی ریز بودن خط و نزدیکی کلمات و خطوط به یکدیگر است. گفته اند: محمد الوراق مؤسس فرقه مذهبی «قرمطیه» در قرون اولیه هجری، خط قرمطی (۴) را خوب می نوشته است.»



آرایش و تذهیب

اکثر قرآنهاى این دسته بنا به سنت نگارگری و تذهیب رایج آن زمان، به تذهیب و تزییناتی بسیار پرکارتر و متنوع تر از پیش آراسته اند. عناصر تزیینی شامل نقوش گره چین، دواير و مربعها و نقوش گیاهی مسبک و اسلیمی های الوان را جداول و حواشی متعددی احاطه می کنند و عموماً يك تزیین تشجیر نیز به يك جانب آن متصل می شود. صفحات مذهب که در آغاز و انجام به صورت مزدوج و قرینه تصویر شده اند، پرکارترین صفحات این قرآنها محسوب می شوند. معمولاً فهرست سوره ها و عدد سوره و آیات و کلمات و حروف قرآن در صفحات مذهب آغاز و یا پایان قرآن ثبت شده است.

نام واقف و محل و مورد وقف و عموماً تاریخ و نیز قید نحوه و موارد استفاده از قرآن وقف شده است. در اکثر وقفنامه ها به عنوان مثال ذکر شده است که قرآن وقفی تنها در محل وقف شده و یا در مجالس تعزیه، مکتب و جز آن نیز قرائت شود، خرید و فروش نشود و یا آن را به ارث تصاحب نکنند و معمولاً به کسانی که از مفاد آن تخطی کنند، نفرین و لعنت خدا و معصومین، فرستاده شده است.

قرآنهاى مترجم

بعد از شکل گیری و رواج و شکوفایی فرهنگ اسلامی و انس گرفتن ایرانیان با آن، درک و فهم و شناخت تحلیلی و عمیق اسلام، اهمیت و ضرورت پیدا کرد. اولین قدم در این راه شناخت و تدقیق و تأمل در کلام الهی - قرآن - بود.

در ابتدا چون قرآن و فرهنگ اسلامی جایگاه واقعی شان را پیدا نکرده بودند، پرداختن به این مسائل آن چنان ضرورتی نداشت و از این روست که قرآنهاى قرون اولیه به خطی (کوفی اولیه) بودند که تنها معدودی از قاریان قرآن قادر به خواندن شان بودند، ولی به مرور زمان، ایرانیان به دلائل یاد شده ابتدا خط کتابت قرآن را به شیوه دلخواه و بر اساس ذوق و سلیقه ایرانی انعطاف، زیبایی و لطافت بخشیدند و سپس ترجمه پارسی کلمات و بعدها تفسیر آن را برای فهم عامه مردم، ضمیمه قرآن نمودند.

کهنترین قرآنهاى مترجم از اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم هجری در میان قرآنهاى این دسته به چشم می خورند. ترجمه این قرآنها به صورت کلمه به کلمه، به قلم نسخ و به پارسی در ذیل کلمات نوشته شده است. الفاظ و کلمات و ساختار جملات استفاده شده در ترجمه بسیار جالب توجه است. از لغات و واژه های عربی کمتر استفاده شده و رسم الخط آنها به شیوه پارسی - حروف د، ر، س، ص، ط، ع هر کدام دارای نقطه در زیر حرف - رعایت شده است حروف پ، چ، د، گ نیز به صورت ب، ج، ذ، ک نوشته شده اند.

مشاهیر کاتبان خط کوفی ایران

همچنان که قرآنهاى خط کوفی اولیه به عنوان کهنترین نسخه های خطی دوران اسلامی ایران، اطلاعات و آگاهی چندانی در باب وضعیت کتابت خط کوفی و چگونگی نفوذ و رواج و تطور آن در ایران، به ما نمی دهند متون تاریخی نیز چندان گهری از این مشکل نمی گشایند و از این نظر وضعیت خط کوفی در سه قرن اولیه هجری بسیار مبهم و تاریک است.

سرسوره ها در اکثر قرآنهاى این دوره شامل يك قاب مذهب مرصع هستند که در آن عنوان سوره، عدد آیات و بعضاً مکی یا مدنی بودن سوره به خط کوفی تزیینی و نقطه دار (برخلاف قبل که کتیبه سرسوره ساده و بدون نقطه و اعراب نوشته می شد) در زمینه الوان با تزیینات متنوع هندسی و گیاهی مسبک نوشته شده و تزیین تشجیر نیز زینت بخش يك سوي آن است. در برخی از آنها، کتیبه سرسوره، به قلم زرب شنگرف و یا لاجورد به صورت محروم، به نسخ، ثلث، تویق و... نوشته شده است. در این قرآنها علائم پایان آیات، تخمیس و تعشیر نیز به صورت مذهب و یا مرصع در جای مناسب ترسیم شده اند. اوقات مناسب قرائت هر بخش از قرآن به صورت: الفجر، الظهر، العصر، العتمه (= تاریکی) (و یا «صلوة» هر يك از اوقات فوق) و نیز کلمه «سجده» در سوره های سجده دار در میانه يك نقش هندسی مذهب در حاشیه صفحات (در جای مناسب) نوشته شده اند.

رقم، تاریخ و وقف نامه

از امتیازات این قرآنها بر قرآنهاى خط کوفی اولیه این است که عمدتاً دارای رقم کاتب و یا مذهب و تاریخ کتابت و تذهیب و بعضاً وقف نامه ای در آغاز یا انجام قرآن هستند. رقم معمولاً شامل مواردی نظیر اسم، کنیه، القاب کاتب و احياناً مذهب و تاریخ (به صورت روز، ماه، سال به حروف) کتابت یا تذهیب قرآن می شود که در پایان قرآن به عربی نوشته می شد.

اکثر قرآنهاى این دوره دارای وقفنامه ای نیز هستند که معمولاً افراد نیکوکار و متدین در آن، قرآن را به یکی از اماکن متبرکه نظیر مسجد، بقعه و آرامگاه و خانقاه وقف کرده اند. و خوشبختانه، کهنترین اطلاعات تاریخی مکتوب ما درباره قرآنها از همین وقفنامه ها به دست آمده است. وقفنامه شامل



مدتی تعلیم خط از حسن فصیح - برادر ابن مقله وزیر - گرفت تا در زمره خوشنویسان درآمد، ولی حشمت سلطنت، آن را در پرده استتار نهان ساخت. مدفن او در نجف اشرف است.^{۱۸}

ابراهیم بن هلال صابی (کاتب سلطان عزالدوله بختیار). او مسلمان نبود و در حسن خط مشار بالبتان بود. وفاتش در ۳۸۴ هـ ق رخ داده است.^{۱۹}

- شمس المعالی قابوس بن وشمگیر از ملوک گزرگان. او حسن خط را از حسن مرزبان تحصیل کرده بود.

«خط او خطه محاسن بود چون در مفصل و سحر محصل و وشى محوڪ و تبر مسبوڪ، سحره بابل سُخره انامل او بودند و نقاشان چین بر دست قلم او آفرین می کردند. هر نقطه ای که از نوک خامه او بر دیباچه نامه می چکید خالی بود بر روی فصل، و هر گوهر که ذوالقرنین قلم او از ظلمات دوات بیرون می کشید، دری بود در واسطه قلاده روزگار. صاحب بن عباد^{۲۰} - که خود از هنر خوشنویسی بهره ای داشت - هرگاه که از مکتوب او چیزی بدیدی گفתי:

هذا خط قابوس، ام جناح طاووس؟ (آیا این خط قابوس است یا پر طاووس؟)

و همانا ابیات زیر از متنی صفت خط اوست: شعر:

فی خطه من کل قلب شهوة
حتى كان مراده الالهواء

(در خط او برای هر دلی شهوت و تمایلی است، چنان که گویی مرکب آن خواهشها و شهوات است. یعنی نوشته او مورد توجه مردم است.)
و لكل عين قرة فی قربة
حتى كان مغيبه الأقداء

(و هر چشمی را از نزدیکی بدان خط، سروری دست می دهد، چنان که گویی غایب شدن آن خاشاک در چشم است.)

شمس المعالی قابوس در ۴۰۳ هـ ق کشته شد.^{۲۱}

- ابونصر اسماعیل بن حماد جوهری (م. ۳۹۸ هـ ق) ملقب به افتخار الاشراف از مردم نیشابور بود. در آغاز جوانی به اکتساب علوم و فضائل پرداخت و در مشق خط رنجها برد تا گنج مقصود بیافت. صحاح اللغة - از جمله مهمترین آثار این عصر در علم لغت - از تألیفات اوست. گفته اند خطش از غایت نیکویی و امتیاز مانند خط ابن مقله وزیر بود و جلال الدین سیوطی آورده که کمتر کسی می توانست بین خط او و ابن مقله وزیر فرق گذارد.^{۲۲}

قدیمیترین ذکر تاریخ از مشاهیر کاتبان خط کوفی ایران به نیمه اول قرن سوم هجری باز می گردد. ما در اینجا به نام و شرح احوال برخی از آنها اشاره می کنیم:

- ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره بن بردزبه بخاری مؤلف صحیح بخاری (۲۵۶ - ۱۹۴ هـ ق) در حسن خط آن هم از دست راست و چپ (۱) شهرت بسزایی داشته است، بخصوص در نوشتن خط کوفی، که پس از او حسن بصری ملقب به سید التابعین پا به میان نهاد و به چنان شهرتی دست یافت.^{۱۳}

- ابوالحسن احمد بن یحیی بن اسحاق راوندی از جمله علمای متبحر و پیشوایان مقتدر عصر متوکل عباسی (۲۴۷ - ۲۳۲ هـ ق) و از خطاطان و هنرمندان زمان بود. وی در اواسط قرن سوم هجری دار فانی را بدرود گفت.^{۱۴}

- ابوالحسن شهید بن حسین جهودانکی بلخی (متوفی ۳۲۵ هـ ق) شاعر مورد احترام و اعتقاد رودکی نیز از خطاطان بنام آن روزگار است. یاقوت حموی نام او را ذیل کلمه «جهودانک» در معجم البلدان به صورت: «ابو [الحسن] شهید بن الحسن البلخی الوراق المتکلم» آورده است. همان گونه که گفتیم شهید در خط نیز استاد بوده و فرخی او را بدین هنر ستوده است:

خط نویسد که بنشناسند از خط شهید

شعر گوید که بنشناسند از شعر جریر

رودکی در رثای وی گفته است:

کاروان شهید رفت از پیش
و آن مارفته گیر و می اندیش
از شمار دو چشم یک تن کم
وز شمار خرد هزاران بیش^{۱۵}

- حسن بن حسین علی فارسی از کتاب زمان عمادالدوله دیلمی؛ مؤسس ملوک دیالمه (جلوس ۳۳۲ هـ ق) است برخی گفته اند از کتاب و خوشنویسان زمان عضدالدوله دیلمی پس از ابراهیم بن هلال بوده است. او اول کسی است که از خط نسخ و ثلث و رفاع، تعلیق را استخراج کرد. (۹) ^{۱۶}
- حسن بن عبدالله مرزبان (م. ۳۶۸ هـ ق) به حسن خط شهرت داشت. پدرش زردشتی و اسمش بهزاد بود، اما پس از مسلمان شدن اسمش را تغییر داد. او حسن خط را از ابن مقله آموخت. وفاتش در حدود ۱۰۰ سالگی اتفاق افتاده است.^{۱۷}

- ابوشجاع عضدالدوله دیلمی پنجمین پادشاه آل بویه. او در ۳۳۸ هـ ق به سلطنت رسید و در ۳۷۲ هـ ق وفات یافت.

۱۳- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. خط و خطاطان، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۵، ص ۲۴.

۱۴- همان، ص ۳۲.

۱۵- دکتر صفا، همان، صص ۳۸۹-۳۹۰.

۱۶- رفیعی مهرآبادی، همان، ص ۳۶.

۱۷- اصفهانی، میرزا حبیب. تذکره خط و خطاطان، ترجمه رحیم چاروش اکبری، کتابخانه مستوفی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۵۴.

۱۸- رفیعی مهرآبادی، همان، ص ۳۳.

۱۹- اصفهانی، میرزا حبیب. همان، ص ۵۶.

۲۰- زین الدین، ناجی. مصور الخط عربی، چاپ دوم، بیروت ۱۹۷۴ در صفحه ۴۱ این کتاب

تصویری از خاتمه رساله «الهدایة و الضلالة» صاحب بن عباد به رقم «علی بن طاهر بن ابی سعد» به خط کوفی ایرانی

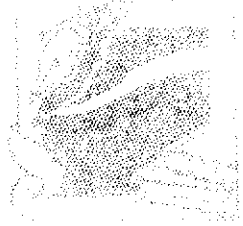
چاپ شده، در همین صفحه یادداشتی از صاحب مذکور از سال ۳۶۶ ق. به همین خط به

چشم می خورد.

۲۱- ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفا دقانی، ترجمه تاریخ یمنی؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۵، ص ۲۴۸.

۲۲- رفیعی مهرآبادی، همان، ص ۳۱.

۳۱- اصفهانی، میرزا حبیب. همان، ص ۵۵.



- محمد بن سمسانی شیرازی (قرن چهارم هجری). مشهور است که در زمان او کاتبی قریب به او پیدا نمی شد و ابوالحسن علی بن عبدالله بن الغفار سمسانی هم مشق بود و او برابر این بوده است. ابوالحسن علاء الدین علی بن بواب در اول پیرو محمد بن اسد بزاز و در اواخر پیرو خط محمد بن سمسانی بوده است.^{۲۳}

- ابوالحسن علاء الدین علی بن بواب (م. ۴۱۳ هـ) خوشنویس و خطاط معروف. زاد روز و زادگاهش را نمی دانیم، ولی معلوم است که بیشتر زندگی خود را در بغداد گذرانیده است. پدرش هلال در باب آل بویه بود و به همین سبب علی بن هلال به ابن بواب یا ابن ستری معروف شد. حتی در آن روزگار که در اوج شهرت بود و بزرگان او را استاد خطاب می کردند، در بانی پدرش را به رخ می کشیدند. چنان که شاعران نیز به این موضع اشاره کرده اند.

ابن بواب خوشنویسی را از ابوعبدالله محمد بن اسد بن علی بن سعید قاری بزاز بغدادی و محمد بن سمسانی آموخت. گفته اند نزد خوشنویسانی مانند ابوبکر احمد بن سلیمان نجار و علی بن زبیر کوفی و جعفر خالدی و عبدالملک بن حسن سقطی، نیز این هنر را آموخته است.^{۲۴}

ابن بواب پیش از آنکه خوشنویس شود به نقاشی و نگارگری خانه ها اشتغال داشت. سپس به تذهیب کتب پرداخت و سرانجام به کتابت روی آورد. در خوشنویسی به پایه ای رسید که یگانۀ روزگار خویش گردید؛ به گونه ای شد که نوشته اند از متقدمین و متأخرین کسی را نمی توان یافت که چون او یا نزدیک به خط او بنویسد. او را صاحب خط منسوب (خطی که هر یک از حروف آن از لحاظ وضع و اندازه با حروف الف متناسب است) خوانده اند، اما این خلکان وضع آن را به ابن مقله نسبت داده و نوشته است که ابن بواب به تهذیب و تنقیح این شیوه پرداخت و به آن زیبایی و جلوه بخشید.

ابن بواب مدتی سرپرست کتابخانه بهاء الدوله در شیراز بوده است و در همین کتابخانه بود که وی ۲۹ جزو قرآن مجید به خط ابن مقله را دید و جزء ناقص را چنان با مهارت شبیه خط ابن مقله نوشت که بهاء الدوله نتوانست آن را تشخیص دهد.

گفته اند ابن بواب ۶۴ قرآن کتابت کرده است. اما یگانۀ (۲) نسخه کامل قرآن موجود به خط او در کتابخانه چستریتی نگهداری می شود که در ۳۹۱ هـ ق کتابت شده است و خط آن به نسخ ریحانی است.^{۲۵}

مدفن او در جوار احمد بن حنبل در بغداد است.^{۲۶}
- ابراهیم پسر مسعود غزنوی (جلسوس ۴۵۲ هـ ق).

گفته اند او در طی ۴۰ سال سلطنتش چهارصد مسجد، مدرسه، رباط و کاروانسرا انبار کرد، ابراهیم بن مسعود هر ساله قرآنی به دست خودش می نوشته است و یک سال به مکه و سال دیگر به مدینه می فرستاده است.^{۲۷}

- ابوالفضل خازن دینوری از مردم خراسان (م. ۵۱۸ یا ۵۴۲ هـ ق) از شاگردان ابن بواب و از مشاهیر خطاطان عصرش به شمار می رفت. گویند در مدت عمرش پانصد قرآن نوشت.^{۲۸}

- ابو عمرو عثمان بن حسین بن ابوسهل وراق غزنوی از خوشنویسان و مذهببان زبردست قرن پنجم هجری و معاصر آل ب ارسلان و ملکشاه سلجوقی بود. هنر خوشنویسی و تذهیب را از اسلاف خود به ارث برد. و در اعقاب خویش به میراث گذاشت. از او قرآنی در ۳۰ جزء باقی است که در خط و تذهیب از نوادر هنر خوشنویسی و کتاب آرایی است. جزوی از قرآن نیز با تذهیب فرزندش محمد موجود است که از این بابت دست کمی از تذهیب قرآن خود عثمان ندارد.^{۲۹}

- ابوالمعالی نخاس اصفهانی، در بیشتر علوم آگاه و فاضلی ماهر و در فن خط استیفا و سیاق قادر بود و در عصر خویش مانند نداشت و مدتها در خدمت سلاطین سلجوقی چون محمد بن ارسلان (۴۶۵ - ۴۵۵ هـ ق) و جلال الدین ابوالفتح حسن ملکشاه (۴۸۵ - ۴۶۵ هـ ق) و غیاث الدین ابوشجاع محمد (۵۱۱ - ۴۹۸ هـ ق) قیام به خدمت می کرد و چون مقام او بر مستنصر عباسی معلوم گردید او را بخواست و مورد نوازش قرار داد. به ترقیاتی نائل شد تا اینکه به مسند وزارت و صدارت رسید و با کثرت مشاغل از نوشتن قطعات و الواح نمی آسود تا در ۵۰۹ هـ ق و به روایتی در ۵۱۲ هـ ق - درگذشت.^{۳۰}

خط کوفی ایرانی تزیین بخش نسخ علمی و سایر آثار هنری

آثار و شواهد و مدارک بر این گواه اند که خط کوفی ایرانی از آغاز قرن چهارم هجری علاوه بر نگارش قرآن، در سایر موارد نظیر نگارش متون علمی و کتیبه آثار معماری و اشیای هنری نیز کاربرد داشته است.

در بسیاری از این آثار برخلاف سنت کتابت قرآن، که به کاتب ایرانی اجازه نقطه گذاری به شیوه پارسی نمی داد، کلمات به این شیوه نقطه گذاری شده اند. در رسم الخط پارسی قرون اولیه اسلامی، حروف مشابه با نقطه هایی از یکدیگر متمایز می شوند. مثلاً حرف «س» در مقابل «ش» که سه نقطه در بالا دارد، دارای سه نقطه در زیر آن است و به صورت «پس» نوشته می شده است. حروف نقطه دار شیوه

۲۳ - اصفهانی، میرزا حبیب. همان، ص ۵۶.

۲۴ - منشی قمی، قاضی میراحمد. گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲، ص چهارده.

۲۵ - کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) در یک نگاه، انتشارات روابط عمومی و بین الملل کتابخانه، ۱۳۷۱ در صفحه ۶۳ این منبع، تصویر قرآنی به خط کوفی ایرانی با رقم علی بن هلال (ابن بواب) موجود است. در همین مقاله جداول نسخ خط کوفی ایرانی، قرآن شماره ۷.

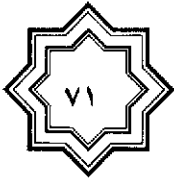
۲۶ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۳، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۶۹ ذیل «ابن بواب».

۲۷ - دکتر بیانی، همان، ص ۳۹ و اشپولر، برتولد. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ترجمۀ جواد فلاطوری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۹، پاروقی ص ۲۵۷.

۲۸ - اصفهانی، میرزا حبیب. همان، ص ۶۰ و رفیعی مهرآبادی، همان، ص ۲۴.

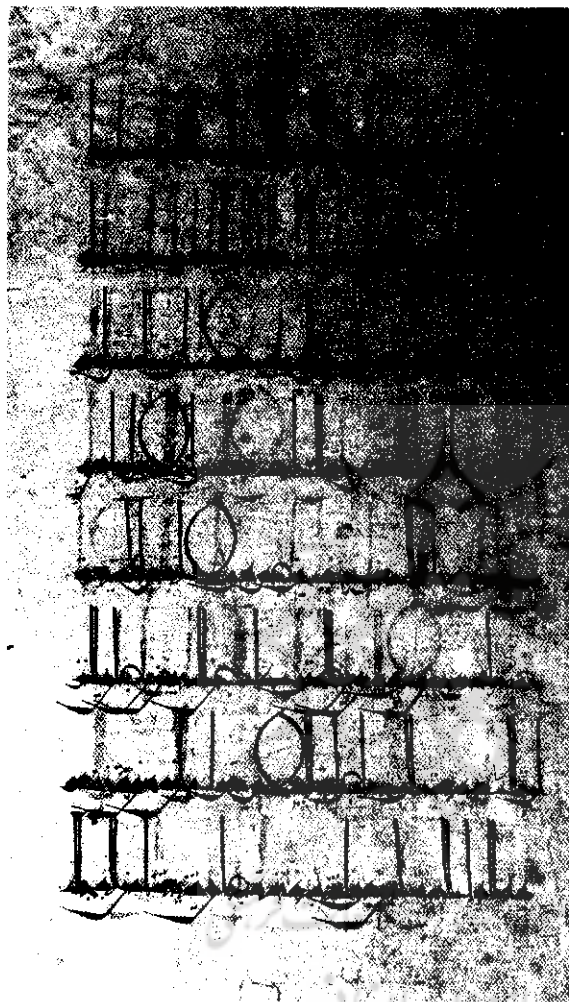
۲۹ - گلچین معانی، احمد شاهکارهای هنری شکفت انگیزی از قرن پنجم هجری و سرگذشت حیرت آور آن هنر و مردم، ش ۱۵۷.

۳۰ - رفیعی مهرآبادی، همان، ص ۲۷.



نقطه گذاری شده و در کلمات با اشاره قلم به حرف بعدی متصل شده اند.

در برخی از آثار معماری نیز می توان چنین رسم الخطی را پی گیری و شناسایی کرد. مسجد النبی در قزوین (۵۰۹ هـ ق)، محراب مسجد ری موجود در موزه ملی ایران (متعلق به قرون ۵ یا ۶ هجری)، دو محراب کاشی زرین فام در موزه



عکس ۷

صفحه ای از «صفات الشیعه»

تاریخ: ۳۹۱ هجری

رقم: نصر بن عبدالله قزوینی

ابعاد: ۳۴ × ۷۲ سانتی متر، ۸ سطر در صفحه

کلمه حدثنا به شنگرف نوشته شده است. حروف «د، ر، س، ص، ع» در متن، در برابر حروف مشابه، نقطه یا نقطه هائی در زیر دارند. متن تصویر:

جدة اغنياتهم لفقراتهم قال قليلة قال فكيف مشا / هدة اغنياتهم بفقراتهم قال قليلة قال فكيف اغنياتهم لفقرهم / اثم في ذات ايديهم فقال انك تذكر اخلاقا ماهي / فيمن عندنا قال فكيف يزعم هولاء انهم لنا شيعة / جدثنا محمد بن موسى بن المتوكل عن الحسين بن علي التزار قال سمعت الرضا عليه السلام يقول ان ممن يتخذمو / د ثنا اهل البيت لمن هو اشد فتنة علي شيعتنا من الرجال /

(با تشکر از جناب آقای قوچانی برای در اختیار قرار دادن این عکس و قرائت متن آن)

پارسی به این صورت بوده اند: «ب، پ، ت، ث، ج، چ، خ، د، ذ، ز، ژ، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ن، ی»

جالب توجه است که یکی از قرآنهای خط کوفی اولیه (بر پوست) موجود نیز به همین شیوه، احتمالاً در نیمه دوم قرن سوم یا نیمه اول قرن چهارم هجری نقطه گذاری شده است. (این قرآن در موزه طوس مشهد نگهداری می شود)

بسیاری از ظروف سفالی مکشوفه از نیشابور و یا محوطه های باستانی دیگر دارای کتیبه خط کوفی هستند؛ کتیبه برخی از آنها به خط کوفی اولیه و برخی دیگر نیز به کوفی ایرانی است. کتیبه سفالینه های نوع اخیر، از نظر اصول و قواعد نگارش و در واقع رسم الخط تابع قواعد خط کوفی ایرانی استفاده شده در کتابت قرآنهای این نوع خط هستند؛ به عنوان مثال به رسم الخط «ك، ح، لا، ط، ن و ...» در کتیبه سفالی شماره ۷ نگاه کنید.



تصویر ۹:

کاسه منقوش کتیبه دار

موزه آبگینه و سفالینه های ایران

شماره س - ۱۱۶

نیشابور، سده چهارم هجری

کتیبه خط کوفی ایرانی:

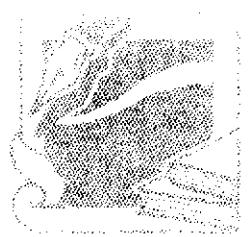
«كل هتيا مريا حلالا طيبا من طس قدن»

(بخور نوش جان، حلال و پاک است از کاسه قناعت)

معدودی از نسخه های علمی خط کوفی ایرانی نیز از قرون چهار و پنج هجری باقی مانده اند که هم دارای رقم و تاریخ کتابت و هم از حیث رسم الخط و شیوه نگارش فوق العاده زیبا و جالب توجه اند. طبقات النوحات ابوسعید الحسن بن عبدالله السیرافی به تاریخ ۳۷۶ هجری به شماره ۱۸۴۲ موجود در کتابخانه سلیمانیه استانبول و نیز کتاب صفات الشیعه (مجموعه خصوصی) که به سال ۳۹۱ هجری به قلم «نصر بن عبدالله القزوینی» نسخه برداری شده، از جمله این آثارند. (عکس ۷)

رسم الخط نسخه اخیر از این جهت که به يك کتاب علمی تعلق دارد و نه يك قرآن، واقعاً شگفت آور، فوق العاده و بی نظیر است. در این کتاب حروف به شیوه پارسی

• بررسی و مطالعه قرآنهای خط «کوفی اولیه» و «کوفی فارسی یا ایرانی» موجود در مجموعه های نسخ خطی ایران و جهان (آنچه در دسترس نگارنده بود و یا در مجلات و کتب مختلف معرفی شده است) و توسعه و تکمیل این پژوهش، دستمایه رساله پایان نامه نگارنده در مقطع کارشناسی ارشد گروه آموزشی باستان شناسی دانشگاه تهران، تحت عنوان بررسی قرآنهای خط کوفی ایران از آغاز تا نیمه قرن ششم هجری بوده است. در این تحقیق به تفصیل منشأ زمانی و مکانی و گستره جغرافیایی نشر و نیز ویژگیهای رسم الخط «قلم کوفی ایرانی» مورد بررسی قرار گرفته است.



آستان قدس رضوی به تاریخ ۶۱۲ و ۶۲۰ هجری و نیز محراب مسجد میدان کاشان (قرن هفتم هجری)، مسجد شمس الدین یزد (قرن هشتم هجری)، دارای کتیبه هایی به این رسم الخط می باشند. (تصویر ۱۰)

در میان سکه های بازمانده از قرون اولیه ایران، که کتیبه آنها به خط کوفی ضرب شده، تنها به یک مورد با رسم الخط کوفی ایرانی برخوردیم که دارای تاریخ ۳۸۶ هجری و نام «سبکتکین» می باشد. در این سکه، حروف «ب و ت و ط» به شیوه کوفی ایرانی ضرب شده است.



تصویر ۱۰:
بخشی از کتیبه قرآنی یک آرامگاه سنگی در غرنه (قرن پنجم هجری)
... الرحمن الرحیم کل نفس ذائقة... .

قرآنها و نسخ علمی خط کوفی ایرانی دارای رقم و تاریخ

ردیف	عنوان	شماره	محل نگهداری	واقف	مذهب	رقم	تاریخ هجری
۱	قرآن*	-	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	-	-	-	۳۲۷
۲	المواقف النفازی	-	کتابخانه چمنریتی دویلین	-	-	محمدبن عبدالجبار	۳۴۴
۳	طبقات النوحات	۱۷۴۲	کتابخانه سلیمانیه استانبول	-	-	علی بن شاذان الرزای	۳۷۶
۴	قرآن	-	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	ابوالقاسم علی بن محمد بن ابراهیم بن سیمجور	-	-	تاریخ وقف ۳۸۳
۵	قرآن	-	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	-	(کاتب قرآن) در سال ۳۹۱ هـ. ق. المصاحفی القزونی - ری	عباس بن محمدبن عباس	۳۸۹
۶	صفات الشیعه	-	مجموعه خصوصی نصیرالدین امینی	-	-	نصر بن عبدالله القزونی	۳۹۱
۷	قرآن	-	کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم	-	-	علی بن هلال - بغداد	۳۹۲
۸	قرآن	۹۶	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	ابوالقاسم منصوربن محمدبن کثیر	-	-	تاریخ وقف ۳۹۳
۹	قرآن**	-	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	-	-	محمدبن موسی	۴۰۲
۱۰	قرآن	۳۶۱۰	موزه ملی ایران	-	ابی نصر منصور المذهب	ابومحمد جعفر بن علی بن جعفر الوراق	۴۱۸
۱۱	قرآن***	-	کتابخانه میلان	-	-	عیسی بن عبدالله بلخی	۴۱۸
۱۲	قرآن	۱۵۰۱	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	ابرعلی بن حسوله در رمضان سال ۴۲۱ هـ. ق.	-	ابوالبرکات	تاریخ وقف ۴۲۱
۱۳	قرآن****	-	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	-	-	-	۴۲۸
۱۴	الایبه عن الحقائق الادویه	-	دانشگاه تهران	-	-	علی بن احمد اسدی طوسی	۴۴۷
۱۵	قرآن	۷۰	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	علی بن ابی القاسم بن علی العاجی قرایی به سال ۶۱۴ هـ. ق.	کاتب و مذهب قرآن	عثمان بن حسین الوراق القزونی	۴۶۶



ردیف	عنوان	شماره	محل نگهداری	واقف	منعَب	رقم	تاریخ هجری
۱۶	قرآن	۴۶۸۰	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	محمد بن محمد بن محمد بن خلفی، به سال ۶۱۲ ه. ق.	محمد بن عثمان الوراق	-	۴۶۶
۱۷	قرآن	-	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	-	محمد بن عبدالرحمان بن محمد الفرج الدامغانی	احمد بن علی العقری الیونسابادی	۴۸۵
۱۸	قرآن	-	مجموعه آقامهدی کاشانی	-	-	علی	۴۸۵
۱۹	قرآن	۵۶	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	حاجی علی بن اسمعیل	-	ابوالقاسم حسن بن حسین بن احمد بن علی خطیب	۵۳۵
۲۰	قرآن	-	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	-	-	ابوعلی بن الحسن بن محمد بن الحسن الخطیب	۵۵۶
۲۱	قرآن	-	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	-	-	محمد بن حسین	۵۶۵
۲۲	قرآن	-	توب قاپوسرای استانبول	-	-	(ابو) بکر بن احمد بن عبدالله القزوی	۵۶۶
۲۳	قرآن	۳۲۵	مجموعه آستانه حضرت معصومه (ع) - قم	-	-	ابوالقاسم بن ابی یوسف بن شهرکیا الحدادی	۵۶۶
۲۴	قرآن	-	کتابخانه سلطنتی مصر	-	-	ابوبکر احمد بن عبدالله الفزونی	۵۷۳
۲۵	قرآن	۸۴	مجموعه آستان قدس رضوی - مشهد	-	-	ابوالحسن علی بن محمد بن محمدکیا	قرن ششم
۲۶	قرآن****	۴۱۲۸	کتابخانه مجلس - تهران	-	-	علی بن محمد بن علی بن محمد المخلص الطبری	قرن ۵ یا ۶

* این نسخه تنها در مقاله آقای گلچین معانی «شاهکارهای هنری...» در همین حد معرفی شده و هیچ تصویر و عکس و یا اطلاع دیگری درباره آن در دست نیست.

** حبیبی افغانی، عبدالحی. هنر عهد تیموری و متفرعات آن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵، ص ۷۷.

*** Pope A, U, A Survey of Persian Art, Vol. IV, P.1724

**** دکتر بهرامی، مهدی. راهنمای گنجینه قرآن، ص ۴۰.

***** منزوی، احمد. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۱، چاپخانه مجلس، تهران ۱۳۴۵.

